مجله مطالعات حقوقی

شماره ۴۲،
دوره دوم،
سال هفتم،
بهار ۱۴۰۱،
صص ۱-۱۳

مبانی و مصادیق جرایم مانع در حقوق ایران و انگلیس

رضا چترسیماب[۱]

چکیده

این پژوهش با هدف، مبانی و مصادیق جرایم مانع در حقوق ایران و انگلیس انجام شد. روش گردآوری داده ها، توصیفی ـ تحلیل بود. روش پژوهش کتابخانه ای بود که با مطالعه کتب، مقالات و پایان نامه‌های مرتبط با موضوع پژوهش جمع آوری شد. جرایم مانع رفتارهایی هستند که قانون گذار برای پیشگیری از ارتکاب جرم یا جرایم بعدی آنها را جرم انگاری کرده است و قانونگذار از تئوری خفه کردن جرم در نطفه برای مقابله با مرتکبین این جرایم استفاده می نماید. این دسته از جرایم قبح ذاتی ندارند. نتایج پژوهش نشان داد که در کشور ایران و انگلیس این جرایم از قبیل تکدی، ولگردی، شروع به جرم حجم قابل توجهی از عناوین کیفری را به خود اختصاص داده اند. در مورد مبنای جرم انگاری این دسته از جرایم عده ای از علما و حقوق دانان به اصل اخلاق گرایی قانونی، عده ای دیگر به اصل ضرر و در نهایت گروهی به اصل پدرسالاری حقوقی استناد می کنند. ولی به نظر می رسد توجیه اخلاقیون برای جرم انگاری جرایم فوق صحیح تر باشد. با توجه به این امر که بسیاری از جرم شناسان معتقدند که بسیاری از مصادیق جرایم مانع انحرافاتی هستند که نباید جرم انگاری شوند و هزینه ی جرم انگاری این جرایم به مراتب، از هزینه های جرم زدایی این جرایم بیشتر بود و امکان پیشگیری از این جرایم به طرقی غیر از مجازات و سازوکارهای کیفری وجود دارد، ضرورت جرم زدایی از برخی مصادیق جرایم مانع از قبیل تکدی، ولگردی، اعتیاد احساس می شود.

واژگان کلیدی: مبانی و مصادیق، جرایم مانع، حقوق

[۱] کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، گروه حقوق، **دانشگاه آزاد اسلامی**، واحد زاهدان، زاهدان، ایران

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

مقدمه

هر جامعه برای خود هنجارهایی را که بیانگر ارزشهای مورد حمایت آن جامعه است، وضع می‌کند. واژه هنجار یا قاعده دارای دو وجه است: از یک سو، دارای ویژگی امری و دستوری است و بنابراین مفید معنای هنجارمندی و قاعده‌مندی است و از سوی دیگر، بهنجاری و بهنجارسازی را می‌رساند. طبیعتاً در جامعه رفتارهایی نیز معارض با هنجارهای مورد حمایت جامعه از سوی شهروندان سر می‌زند. این رفتارهای معارض، با توجه به مفاهیم هنجارمندی وبه هنجاری به دو دسته بزرگ جرم و انحراف تقسیم می‌شود. بدین ترتیب ،جرم که در قلمرو هنجارمندی قرار می‌گیرد، عبارت است از: فاصله گرفتن و دور شدن از هنجارمندی و نقض آن و برعکس انحراف که در محدوده بهنجاری قرار می‌گیرد، در برگیرنده مفهوم فاصله گرفتن از بهنجاری و دور شدن از رفتار عادی گروه است، و همان گونه که در منابع جامعه شناسی نیز آمده: «انحراف عبارت است از یک رفتار مسأله دار و یا رفتار که برای گروه تعارضی به وجود می‌آورد و ضروری است مورد توجه قرار گیرد. هر یک از دو مفهوم جرم و انحراف، راههای مقابله خاصی دارد. مقابله با جرم غالباً با توسل به ضمانت اجراهای کیفری که در قوانین پیش‌بینی می‌شود صورت می‌گیرد، در حالی که روشهای مقابله با انحراف بنا به طبیعت رفتار منحرف، غالباً خارج از چارچوب ضمانت اجراهای کیفری است.علی‌رغم این امر، در خصوص پاره‌ای از انحرافات، توسل به ضمانت اجراهای کیفری از طریق جرم انگاری آنها پیشنهاد شده است. ورود ضمانت اجراهای کیفری به قلمرو انحرافات با هدف جلوگیری از ارتکاب جرایم دیگر را باید در نظریات و اندیشه‌های مجازاتگر ژرمی بنتام، از اندیشمندان مکتب کلاسیک حقوق کیفری، جستجو کرد. بنتام به منظور از بین بردن زمینه‌های وقوع جرایم و تعدیل گرایشهای خطرناک، توصیه‌هایی را به عنوان اقدامات مکمل کیفر مطرح می‌کرد. به نظر وی، اهمیت جرایم صرفاً با توجه به درجه فساد و تباهی که بر آنها مترتب است، ارزیابی نمی‌شود، بلکه با توجه به خطراهایی که به دنبال خواهند داشت، مورد سنجش قرار می‌گیرد.

امروزه «جرایم مانع» بخشی از قوانین کیفری کشورها را به خود اختصاص می‌دهد و مصادیق آن متنوع و متعدد است. حمل اسلحه غیر مجاز، تبانی برای ارتکاب جرم، تهیه و ساخت کلید برای سرقت، نگهداری مشروبات الکلی، تکدی، ولگردی، اعتیاد به مواد مخدر و مواد الکلی، و رانندگی در حال مستی مصادیق بارز این نوع جرایم محسوب می‌شوند. از لحاظ ماهوی، این جرایم به مراحل بسیار مقدماتی و زود هنگام اقدام مجرمانه که حتی ممکن است مورد نظر فاعل آن نباشد، اطلاق می‌شود. همچنین این جرایم دارای عنصر مادی اعمالی هستند که هرچند از نظر نتیجه واقعی، پایین‌تر از شروع به جرمند، ولی از لحاظ حقوقی با «جرایم مادی صرف متفاوتند؛ زیرا از یک سو، با جرایم دیگری که مقید به نتیجه‌اند، همزیستی دارند و ازسوی دیگربا برخی ازجرایم مقید به نتیجه جنبه تعدد معنوی به خود می‌گیرند. مانند جرم موجب قتل دیگری شدن در حین رانندگی توأم با مستی . هدف اصلی این نوشته ،ارزیابی جرم انگاری رفتارها یا حالتهایی به عنوان «جرایم مانع» در سایه معیارهای جرم انگاری است.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

مبانی نظری و ادبیات پژوهش

تکدی

تکدی گری هر گونه در خواست از مردم در انظار عمومی برای رفع نیازهای مادی خود با زیر پا گذاشتن شئونات انسانی و اجتماعی است. متکدیان کسانی هستند که با زیر پا گذاشتن شخصیت خودشان از عواطف، احساسات و روحیه انسان دوستانه مردم سوء استفاده می کنند. از منظر جامعه شناختی تکدی را می توان نوعی انحراف اجتماعی به حساب آورد. آنچه مسلم است این نکته است که این جرم برهم زنندۀ نظم و آسایش عمومی است و زمینه و دریچۀ ورود افراد سالم به عرصه جرایم خطرناک تلقی می شود و همین امر سبب جرم انگاری این حالت شده است. تکدی یعنی اینکه شخصی بدون اینکه متحمل تلاش و زحمت شود از طریق کمک دیگران زندگی را بگذراند، یعنی اینکه شخصی متکدی حاجت خود را با دست دراز نمودن پیش دیگران برطرف نماید(ولیدی، ۱۳۸۳ ، ۷۹).

دین اسلام نیز برای مقابله با پدیده تکدی گری به عنوان یک حرفه برخورد نموده و در این ارتباط رسیدگی و مراقبت از بیماران، آسیب دیدگان و محرمان را از جمله وظایف حکومت اسلامی قلمداد نموده و از طرفی دیگر با پدیده تکدی گری به عنوان یک حرفه برخورد نموده است. قانونگذار ایران نیز در ماده ۷۱۲ قانون مجازات اسلامی تکدی گری را جرم شناخته و مجازات آنرا برای فرد متکدی یک تا سه ماه تعیین نموده است. برخی از حقوقدانان اساساً برخورد با تکدی گری را از طریق یک واکنش کیفری، برخوردی کاملاً سنتی و غیرمفید می دانند. تکدی یک معضل اجتماعی است و حکایت از یک آسیب اجتمایی دارد. پیشگیری از وقوع جرم که وظیفه دولت در معنای عام کلمه است ایجاب می کند زمینه بروز آسیب های اجتماعی رفع و برطرف شود. تعیین کیفر برای فرد متکدی که جرم او ناشی از اعتیاد، فقر، بیکاری و یا ولگردی است هیچ دردی را دوا نمی کند.

تکدی با توجه به قانون مجازات عمومی جرمی از درجه خلاف بود. بند ۲۶ ماده سوم آیین نامه امور خلافی ۱۳۲٤ نیز کسانی را که با وجود قدرت و استطاعت جسمانی، تکدی و کلاّشی را پیشه خود قرار داده و از این راه زندگانی کنند، قابل مجازات دانسته بود. اما از قوانین دیگر این گونه استنباط می‌شود که تمایلی به مجرم دانستن این افراد در جامعه وجود ندارد. مثلاً ماده ۵۵ قانون شهرداری که در مقام احصای وظایف شهردار است جلوگیری از گدایی و واداشتن گدایان به کار و توسعه و آموزش عمومی و غیره را از وظایف شهردار محسوب کرده است. در قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) ۱۳٦۲، قانونگذار اسلامی و انقلابی از جرم انگاری تکدی، همانند ولگردی، امتناع کرده بود؛ اما مجدد در قانون مجازات اسلامی، در مقام جرم انگاری تکدی برآمده، مجازات حبس برای آن در نظر گرفت. طبق این ماده: «هر کس تکدی یا کلاّشی را پیشه خود قرار داده و از این راه امرار معاش نماید، به حبس از یک تا سه ماه محکوم خواهد شد و چنانچه با توان مالی مرتکب عمل فوق شود، علاوه بر مجازات مذکور کلیه اموالی که از طریق تکدی و کلاّشی به دست آورده است مصادره خواهد شد.» در این ماده، قانون گذار در مقایسه با آیین نامه امور خلافی، شرایط تحقق جرم تکدی را سهلتر و مجازات آن را شدیدتر کرده است. زیرا در آیین نامه امور خلافی، تحقق تکدی، منوط به اولاً وجود قدرت و استطاعت جسمانی شخص متکدی و ثانیاً، حرفه و پیشه قرار دادن این عمل شده بود، در حالی که در ماده

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

۷۱۲ ق.م ا. صرف پیشه قرار دادن تکدی، جرم محسوب شده است و داشتن توان مالی برای شخصی که تکدی را پیشه خود قرار داده اسـت، مـجازات جداگانه ای تحت عنوان «مصادره» در پی دارد.

ملاحظه می‌شود که سیاست جنایی ایران در قبال تکدی نیز روی گرداندن از اقدامات پیشگیرانه و تمایل به اقدامات قهرآمیز کیفری است. نتیجهٔ در پیش گرفتن چنین سیاستی، در عمل، عدم اجرای این قانون بـوده اسـت،به طوری که جرم تکدی صرفاً در مجموعه قوانین جزایی خودنمایی می‌کند و اثری از اجرای آن در جامعه به چشم نمی‌خورد.

اعتیاد به مواد مخدر

شیوع و استفاده روز افزون مواد مخدر خصوصاً در بین جوانان به عنوان یکی از معضلات و چالش های بزرگ عصر حاضر ذهن تمامی کشورها را به طور جدی به خود معطوف ساخته است. دولت ها در مقابله با این معضل بزرگ سرمایه گذاری و پیمان های بین المللی متعددی را ایجاد نموده اند ولی علیرغم این سرمایه گذاری ها که در دو بعد مبارزه با عرضه و مبارزه با تقاضا صورت می گیرد وضعیت همچنان اسفبار می باشد. تولید غیرقانونی مواد مخدر، قاچاق و سوء مصرف آن که با خشونت و فساد همراه است سلامتی عمومی را تقریباً درهمهٔ کشورها به مخاطره افکنده و مشکلات اجتماعی و اقتصادی توأم با بی ثباتی سیاسی را ایجاد نموده است .پیش بینی برخی از افعال و جرایم و پیشگیری از ورود فرد به محدودهٔ قاچاق مواد مخدر می تواند او را از ارتکاب جرم باز دارد و می تواند ما را در مبارزهٔ هرچه بیشتر با اینگونه جرایم بیشتر یاری نماید . با ملاحظه قوانین مبارزه با مواد مخدر، به نـظر مـی‌رسد اعـتیاد به مواد مخدر حالتی بـیمار گـونه اسـت تا مجرمانه. قانونگذار ابتدا از طریق اقدامات غیرکیفری در مقام معالجه و درمان معتادان برآمده و بدین منظور مهلت خاصی نیز برای ترک این رفتار مـنحرفانه تـعیین کرده اسـت. مجازات معتادین در صورتی در دستور کار دست اندرکاران سیاست جـنایی قـرار گرفته که شخص معتاد از تکلیف قانونی برای ترک اعتیاد در مهلت تعیین شده سرباز زند و یا اینکه علی‌رغم تأثیر مداوا و درمان، مـجدد بـه این رفـتار باز گردد. پیش‌بینی اقدامات غیرکیفری در مرحله نخست برای معتادان و تـوجه به معالجه و درمان آنها، اقدامی بسیار پسندیده است؛ اما با توجه به مقارنه این حالت به بیماری، بهتر اسـت از جـرم انـگاری آن در مراحل بعد نیز خودداری گردد، چرا که تجربه نشان داده اقدامات غـیرکیفری در مـورد معتادان کارایی بیشتری دارد.

جرایم مقدماتی

صرف تهیه وسایل و مقدمات ارتکاب جرم را نمی توانیم عنوان مجرمانه بنامیم و تبصره ماده ٤١ قانون مجازات اسلامی نیز گویای این اصل می باشد. اما با این وجود در صورتی که عملیات و اقدامات صورت گرفته رابطهٔ مستقیمی با وقوع جرم داشته باشد یا به عنوان مثال فرد به قصد ارتکاب جرم اقدام به ساخت کلید یا هر نوع وسیله دیگری بنماید را می توان تحت عنوان جرایم مقدماتی که قابل پیگرد است مجازات نمود.

اجتماع و تبانی برای ارتکاب جرم

منظور از تبانی توافق دو یا چند نفر برای ارتکاب جرم می باشد و از جمله جرایم مانع و بازدارنده می باشد زیرا هدف از برقراری آن جلوگیری از وقوع جرایم و جنایات شدیدتر می باشد .اساس و پایه این جرم نفس توافق است که اگر

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

وجود آن اثبات گردد، اثبات هیچ فعل دیگری ضروری نیست، این واقعیت که تبانی برای ارتکاب جرم گاهی در جرایم سازمان یافته از سوی شبکه های مجرمانه مشاهده می شود لزوم برخورد سریعتر و شدیدتر با تبانی کنندگان را آشکار می سازد. بدین ترتیب در راستای حفاظت از جامعه در قبال جرمی که اولاً امکان تحقق آن زیاد است و ثانیاً درصورت تحقق یافتن، خطرات و زیانهای بیشتری را بوجود می آورد دخالت زودهنگام مراجع مربوط برای نابودن کردن تبانی در نطفه ضروری به نظر می رسد(میر محمد صادقی، ۱۳۸٤ ،صفحه ۱۲۸)

عقیم جرم

یکی دیگر از مصادیق جرایم مانع جرم عقیم می باشد. در اصطلاح علمای حقوق جزا اقدام مرتکب زمانی جرم عقیم محسوب می گردد که وی کلیه اعمالی را که می تواند به وقوع جرم منجر شود را انجام دهد و در اثر مداخله عامل غیر ارادی نتیجه مورد انتظار او بدست نیاید. به عبارت دیگر جرم وقتی عقیم است که مجرم بواسطهٔ عدم مهارت یا بی فکری خود یا یک علت اتفاقی غیرقابل پیش بینی نتیجه ای از عمل خویش نمی گیرد. در این مورد مقتضیاتی که بوجود آمده اند مستقل از اراده فاعل هستند. مثلاً فردی که با وجود تهیه مقدمات و تیراندازی نمی تواند مجنی علیه خود را به لحاظ اشتباه در دید و عدم مهارت درتیراندازی بکشد عملی انجام داده است که اصطلاحاً به آن جرم عقیم می گویند(نوربها، ۱۳۸٤، ۲۳۷).

شروع به جرم

۵ شروع به جرم یعنی اقدام و دست یازیدن به عملی که در صورت وقوع به موجب قانون جرم به شمار می آید، ولی در نتیجه مداخله عامل غیر ارادی، بلا اثر مانده و نتیجه حاصل نمی شود(فرهودی نیا، ۱۳۸۱ ،صفحه ٤٦و٤٧).

به عبارت دیگر شروع به جرم عبارت است از رفتاری که به منظور عملی نمودن قصد مجرمانه انجام شده لکن به جهت مانع خارجی به تحصیل نتیجه مورد نظر منتهی نگردیده است. در بیشتر موارد تحصیل نتیجه زیان آور مجله حقوقی عدالت آراء- شماره ١٦ و ١٥ -دوره سال۱۳۹۰ یکی از ارکان تحقق جرم است و وقتی که نتیجه مزبور به دست نیاید می توان گفت جرم درمرحلهٔ شروع به جرم بوده است(گلدوزیان، ۱۳۸۵،صفحه١٦٨ ،۱۳۸۵).

ماده ٤١ قانون مجازات اسلامی بیان می دارد: «هرکس قصد ارتکاب جرمی کند و شروع به اجرا نماید لکن جرم منظور واقع نشود چنانچه اقدامات انجام گرفته جرم باشد محکوم به مجازات همان جرم می شود .« حقوق اندیشهٔ مجرمانه را مجازات نمی کند و از لحاظ اثباتی مبتنی کردن مسئولیت جزایی صرفاً بر نیات سوء متهم بسیار مشکل خواهد بود و به علاوه این نیات به اندازه کافی شدید و خطرناک تلقی نمی شوند که مداخلهٔ قانون را توجیه کند. با این حال در برخی از جرایم قانون به یک نمود خارجی کمتر از قصد مجرمانه متهم راضی است که یکی از مصادیق بارز این جرایم شروع به جرم است. بنابراین قانونگذار با جرم انگاری آنها قصد دارد افرادی را که قصد ارتکاب جرمی را دارند و یا اینکه در آغاز عملیات اجرایی یا درحال انجام عملیات اجرایی است را مورد مجازات قرار دهد تا بواسطهٔ آن از ارتکاب جرایم سنگین تر و مهم تر بعدی پیشگیری شود.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

معاونت

یکی دیگر از مصادیق جرایم مانع معاونت در جرم می باشد که می توان آن را اینگونه تعریف نمود: «معاون جرم کسی است که شخصاً در ارتکاب عنصر مادی قابل استناد به مباشر یا شرکای جرم دخالتی نداشته بلکه از طریق تحریک، تطمیع، ترغیب، تهدید، دسیسه، فریب و نیرنگ، ایجاد تسهیلات در وقوع جرم، تهیه وسایل و یا ارائه طریق در ارتکاب رفتار مجرمانه همکاری و دخالت داشته است.»(گلدوزیان، ۱۳۸۵ ،ص۱۲۷). قانونگذار با جرم انگاری جرم معاونت این قصد را داشته است تا با افرادی که به قصد فریب، تحریک و دیگر موارد ذکر شده قصد دارند تا وقوع جرم را تسهیل کنند مقابله کند و از وقوع جرایم بعدی پیشگیری شود.

مصادیق جرم مانع در حقوق انگلیس

ویژگی مهم این جرایم عبارت است از این که آن ها هنگامی ارتکاب می یابند که آن عمل مجرمانه از لحاظ ماهیتی، به طور ناموفق انجام یافته و حتی به اتمام نیز نرسیده است؛ به طور مثال ممکن است از یک شروع به جرم ناموفق و یک تبانی منجر به هیچ و یا کلمات تحریک آمیز چشم پوشیده شود، اما این احتمال بعید نیست که در این گونه موارد مسؤولیت برای ارتکاب جرم ناتمام وجود داشته باشد(پور احمدی، ۱۳۸۵). در انگلیس قبل از سالهای ۱۹۶۰ مقررات و مقالات محلی معمولاً ولگرد را در قالب روسپیگری، مستی و یا معاشرت با مجرمین مشهور مجازات می‌کردند. مجازات آنها نیز کیفر نقدی یا چند ماه حبس بود. مقامات رسمی و محلی به جای توقیف ولگرد ترجیح می‌دادند وی را وادار به ترک آن محل کنند. با شروع سالهای ۱۹۶۰، مقررات ولگردی در آمریکا رویکردی خشونت بار یافت. ابهام موجود در عبارات قانون ،تاب برداشتهای گسترده‌ای داشت. قوانین مربوط به ولگردی در آمریکا عمدتاً «حالت »را مجازات می‌کنند، نه اقدام غیرمتعارف وی را. این امر متأثر از مقررات قرن شانزده انگلستان بود که تفاوتی بین فقیر و مجرم قائل نبود. انگلستان در حال حاضر قوانین خود را اصلاح کرده و فقط اعمال کسانی را که برای جامعه خطرناکند، قابل مجازات می‌داند. در کشورهای شرق آسیا، ولگردان دارای احترام خاص هستند و بعضاً مردم عادی از نیروی انسانی آنها احساس ترس می‌کنند. به هر حال مسلّم است که ولگردی در تمامی کشورها عمدتاً ثمره بیکاری و تورم در حین رکود جامعه است.

توجیه مجازات شروع به جرم به عنوان جرم مانع

این بحث را با سه مثال آغاز می کنیم.

الف) شخص(الف) با یک قوطی بنزین، مقداری کاغذ و یک جعبه کبریت به خانه رقیبش رفته و کاغذ را با بنزین آغشته نموده و آن را در میان سایر کاغذها قرار می دهد، اما قبل از کشیدن کبریت دست گیر می شود.

ب) شخص (ب) اتومبیلی را به طور مستقیم به سوی شخص (ج) می راند اما وی در همان لحظه به طرف دیگر خیابان می رود و جراحتی نمی بیند.

چ) یا مثلاً به شخص (د) جهت حمل بسته ای حشیش به کشور انگلیس مقداری پول پیشنهاد می شود و وی نیز قبول می-کند، ولی توقیف می شود و آشکار می گردد بسته ای که وی حمل می نموده، حاوی مقدار کاهوی خشک است. آیا

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

در این سه مثال، ممکن است این مقدار عمل منجر به محکومیت شروع به جرم شود؟ در حالی که هیچ یک از اعمال فوق منجر به صدمه نشده اند؛ یعنی هیچ خسارت و جراحتی وارد نشده و مواد مخدری نیز قاچاق نشده است، چرا که برای ایجاد مسؤولیت جزایی باید هم قابلیت مجازات وجود داشته باشد و هم صدمه، بنابراین (الف)، (ب) و (د) ممکن است قابل مجازات باشند ولی موجب هیچ صدمه ای نشده اند حال پرسش این است که آیا باید آن ها را مشمول تعقیب کیفری بدانیم؟پاسخ این مسئله و در واقع صدمه در بحث مسؤولیت جزایی از جایگاه خاص و ویژه ای برخوردار است. اما باید توجه داشت این صدمه صرفاً ارتباطی با رخ داد آن ندارد؛ بلکه جهت جلوگیری از ورود خسارت و صدمه نیز در نظر گرفته می شود. قانون گذار می بایستی دقیقاً مشخص نماید که صدمات به طور مناسبی مورد هدف و منظور حقوق جزا باشند. قانون (حقوق جزا) باید آن گونه که از رخ دادن صدمات جلوگیری می نماید، مرتکبان آن ها را نیز مجازات کند، بنابراین، دو توجیه مهم وجود دارد:

۱- توجیه منطقی برای حقوق شروع به جرم: عبارت است از مجوزهای قانونی مأموران و دادگاه ها برای اقدام قبل از وقوع هر صدمه تا جایی که خطر صدمه ی مسلمی وجود داشته باشد، و مسؤولیت جزایی را می شناسند.

۲- نظریه ی سزادهی: مسؤولیت جزایی است یعنی شخصی که سعی بر آن دارد تا موجب ایراد صدمه ی ممنوعه ای شود و ناکام می ماند،مشمول قابلیت مجازات می باشد. حقوق جزا باید به تخلف توجه کند.

انواع شروع به جرم

دو نوع شروع به جرم متصور است:

اول) شروع جرم ناقص: زمانی است که متهم (مرتکب) اقدام به ارتکاب یک جرم می کند در حالی که هنوز تمامی اعمال مادی لازم برای شروع آن جرم را انجام نداده است. مثال آن مورد الف می باشد.

دوم) شروع به جرم کامل: در این جا مرتکب تمام آن چه را که مورد قصد و منظورش بوده انجام داده اما به نتیجه مورد نظرش نرسیده است (مثال آن موارد ب و ج می باشد.

توجیه شروع به جرم کامل از نظر جزایی به مراتب آسان تر از توجیه شروع به جرم ناقص است.

توجیه شروع به جرم تام: مرتکب تمامی اعمالی را که مدنظرش بوده با اعتماد و قصدی که برای آن جرم لازم بوده، انجام داده است؛ بنابراین از نظر قابل سرزنش بودن کم تر از شخصی نیست که به طور موفقیت آمیزی مرتکب یک جرم ماهوی کامل شده، است. در حقیقت شروع کننده ی کامل به واسطه ی برخی حوادث غیر منتظره _ که رخ داده_ عملش عقیم مانده است؛ مانند مثال سوم که مرتکب نسبت به ماهیت آن چه حمل می کرد در اشتباه بود. یا در مثال دوم قربانی منظور به سمت دیگر خیابان گریخت.

توجیه اساسی مجازات شروع کننده ی کامل آن است که مرتکب سعی می کند تا قانون را نقض نماید؛ بنابراین منشاء خطر اجتماعی می شود که این خطر خیلی کم تر از شخصی نیست که مرتکب صدمه (جرم) شده، است.

شروع به جرم ناقص چیست؟ در این نوع از شروع به جرم نیز قصد و اعتقاد و عزم به ارتکاب جرم ماهوی وجود دارد. هرچند دلایلی که بیانگر این نکته ی اخیر است، احتمالاً نسبت به دلایل شروع به جرم تام از قطعیت کم تری برخوردار

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

است. در حقیقت ممکن است به طور منصفانه ای گفته شود که مرتکب در شروع به جرم ناقص هنوز وقت و زمان پشیمان شدن را قبل از انجام دادن همه ی اعمال لازم برای شروع به جرم ماهوی دارا می باشد. یک ویژگی مهم در شروع به جرم ناقص وجود دارد و آن اهمیت احتمال دخالت مأموران قبل از ایجاد صدمه می باشد. هم چنین قابلیت مجازات شروع کننده ی (جرم) ناقص ممکن است کم تر از شروع کننده ی (جرم) کامل باشد؛ چرا که در آن جا این امکان وجود دارد که دربرخی از مراحل بعدی به طور ارادی شروع کننده ی ناقص پشیمان گردد. در زمینه شروع کننده ی جرم ناقص تا آن جا پذیرفته می شود که وی با قصد معین و برای ادامه و ارتکاب جرم ماهوی به وسیله ی انجام برخی اعمال بعدی ـ که دلیل کافی جهت انجام جرم می باشد_ اقدام می کند.

این استدلال ها به طور مطلوبی شروع به جرایم ناقص و کامل را جرم می شناسد با اثبات این که هیچ رابطه ی ذهنی متفاوتی بین شروع کنندگان و آن هایی که موفق به ارتکاب جرم کامل می شوند وجود ندارد. آیا این فرض وجود ندارد که اخلاق در ارتباط با قابلیت مجازات ذهنی اشخاص اهمیت دارد؟ و آیا این صحیح است که بگوییم بین شروع کنندگان و مرتکبان جرم کامل هیچ گونه تفاوتی از حیث اخلاق وجود ندارد. مسلماً استدلال می شود که وضعیت اخلاقی شروع کننده ی کامل (کسی که موجب هیچ صدمه ای نشده است) با شخصی که مرتکب جرم کامل می شود (موجب صدمه می گردد)، متفاوت است؛ اما این اختلاف مطمئناً در مسؤولیت بعدی جهت پرداخت غرامت و میزان خسارت به وجود می آید و اظهار نمی گردد که مرتکب جرم کامل باید از نظر جزایی مسؤول باشد و دیگری نباشد. در حالی که شروع کنندگان جرم ناقص با شدت کم تری از مرتکبان جرم کامل باید مجازات گردند؛ زیرا این امکان هست که به طور ارادی از شروع به جرم دست بردارند و از انجام جرم منصرف شوند.

ناصر شروع به جرم

عناصر شروع به جرم عبارتند از:

الف) عنصر تقصیر

ب) عنصر عمل

ج) عنصر غیر ممکن

الف) عنصر تقصیر

اظهار شده است، هنگامی که فردی متهم به «شروع به جرم» می شود، «قصد» ـ که رکن اساسی جرم می باشد ـ احراز شده است. براساس مفاد قانون شروع به جرم(۱۹۸۱/م) باید اثبات شود که متهم قصد ایراد صدمه ی ممنوعه را داشته و علم لازم به حقایق و اوضاع و احوال و شرایط محیط بر آن عمل ممنوعه را دارا می باشد.

آیا برای شروع کننده به جرم می توان مسؤولیت جزایی قائل شد در حالی که قصد عمل ممنوعه را می کند ولی نسبت به اوضاع و احوال و شرایط عمل بی پروا و بی توجه است؟ البته این مسئله معمولاً در زمینه ی شروع به جرم تجاوز جنسی مطرح می شود.قانون شروع به جرم در این زمینه پاسخ واضح و روشنی ارائه نمی کند؛ البته پاسخی که داده اند عبارتست

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

از این که عمل مقصرانه نیازمند درجه ای از علم و آگاهی است که علاوه بر قصد به عمل و نتیجه نیز اشاره دارد؛ به علاوه در مثال فوق جرم تجاوز جنسی فی نفسه به واسطه ی بی پروایی نسبت به رضایت زن محقق می شود.

سؤال اساسی این است که در شروع به جرم مسؤولیت جزایی در چه حدی است. ادعا شده است که شروع به جرم به طور ضمنی دلالت بر سعی و تلاش دارد؛ تلاش و سعی به طور ضمنی اشاره به هدفمند بودن رفتار شخص مرتکب دارد. بنابراین هیچ چیزی به عنوان یک شروع به جرم بی پروایی یا مسامحه ای(غیر عمدی) نمی تواند وجود داشته باشد.

ب) عنصر عمل

درچه زمانی شخص به اندازه ی کافی جهت ایجاد مسؤولیت جزایی اقدام می کند؟ در این خصوص دو مکتب فکری ظهور کردند: ذهنیت گرایان ؛ آن هایی که اظهار می دارند شروع به جرم سعی نمودن برای ارتکاب جرم است. استدلال این گروه این چنین است که در این مورد شخص تا آن جا پیش می رود و به قصد ارتکاب جرم نزدیک می شود که عملاً از آستانه ی مسؤولیت جزایی عبور نموده و مستحق مجازات می شود؛(البته امکان ترک نمودن ارتکاب جرم محتمل است با این حال کم تر مجازات برای شروع به جرم تام متصور است).

نظریه ی عینیت گرایی شامل دو گرایش می باشد؛ یک گرایش این است که از لحاظ مادی و عینی متهم تمامی اعمال لازم برای ارتکاب عمل مجرمانه را انجام دهد،اما قبل از ارتکاب عمل نهایی متوقف شود.

گرایش دوم مبتنی است بر دخالت دادن مأموران پلیس، اگر چه محکومیت در این قسمت به احتمال زیاد به دلیل وجود قصد در متهم بر او تحمیل می شود. بنابراین دخالت پلیس و دست گیری متهم به شروع جرم ممکن است به اعمال زور جهت تحصیل اقرار و اعتراف مرتکب منجر گردد و اجرای عدالت ناکام بماند. طبق اصول حقوقی اثبات اعمال آشکاری که به ارتکاب جرم تام بسیار نزدیک است، ضروری است و گرنه ما صرفاً براساس تفکرات متهم و پلیس اقدام نموده ایم. کم ترین شرط برای شروع به جرم، ارتکاب هر عمل آشکاری خواهد بود؛ هر چند این معیار به پلیس فرصت اندکی برای دخالت خواهد داد. قانون مجازات مقرر می کند که برای محکوم کردن متهم به شروع به جرم او باید یک گام ماهوی به سوی ارتکاب جرم تام بردارد.

هم چنین قانون شروع به جرم (مصوب ۱۹۸۱) لازم می داند متهم اعمالی علاوه بر تهیه ی مقدمات برای ارتکاب جرم انجام دهد. به این ترتیب ملاک و معیار، عمل آخر در ارتکاب عمل مجرمانه است و متهم به مرحله ای گام می گذارد که راه برگشتی برای او وجود ندارد.

ج) عنصر غیر ممکن (محال)

موضوع محال معمولاً در ارتباط با شروع به جرایم کامل مطرح می شود؛ درصورتی که عنصر عمل در شروع به جرایم ناتمام مطرح می باشد. در این جا نیز جهت توجیه مجازات دو دیدگاه ذهنی و عینی را مجدداً بررسی می نماییم. در برخورد ذهنی در مورد شروع به جرم کامل (محال) متهم بایستی بر اساس حقایق و اوضاع و شرایط و احوال همان گونه که وی معتقد به اجرای آن در همان زمان بود،مورد قضاوت قرار گیرد.همان طور که اعتقاد و قصد به عنوان یک دلیل تبرئه کننده مطرح می شود، بالأخص در جایی که متهم در مورد حقیقی دچار اشتباه می شود. به عبارت دیگر وقتی شخص

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

معتقد است که مرتکب یک جرم شده، جهت محکومیت وی به یک شروع به ارتکاب آن جرم قابل توجیه است؛ به طور مثال حمل مقداری کاهوی خشک به اعتقاد این که اسید است؛ از دیدگاه این گزارش در این دو موضوع از نظر ذهنی و اخلاقی در زمینه ی قابلیت مجازات تفاوتی مابین این افراد و اشخاصی که حقیقتاً این اعمال را (ریختن اسید واقعی و حمل و قاچاق حشیش) انجام داده اند، وجود ندارد. اما طبق گرایش عینی در این گونه شروع به جرم ها اساساً خطر واقعی وجود ندارد.

بنابراین حقایق باید اثبات شود؛ چرا که ممکن است هر کس که کیفی را حمل می نماید، مسؤول شناخته شود و به اتهام حمل کیف حاوی مواد مخدر توقیف گردد. این گونه برخورد نمودن حقوق و دین را در معرض تهدید و خطر قرار می‌دهد. تفاوت اساسی این دو گرایش در این است که از نظر گرایش ذهنی هیچ اختلافی از لحاظ قابلیت مجازات (اخلاقاً و خطرناک بودن) بین اشخاصی که واقعاً مرتکب شروع به جرم شده اند و بسیاری شروع به جرم های عادی وجود ندارد.در صورتی که تمرکز دیدگاه و گرایش عینی بر روی فقدان خطر در موقعیت عملی است ولی گرایش ذهنی صرفاً بر روی سزادهی یا خطرناکی بالقوه‌ی شخص تکیه می نماید.هرچند قانون شروع به جرم (مصوب ۱۹۸۱) جرم محال را جرم شناخته و قابل محکومیت دانسته اما با این حال مجلس (اعیان) مقررات را طوری تفسیر نمود که براساس آن متهم در این گونه موارد بایستی هم چنین براساس حقایق و واقیعتها مورد قضاوت قرار گیرد.

بحث و نتیجه‌گیری

جلوه ای از پیشگیری از جرم از طریق جرم-انگاری ،جرایم مانع یا بازدارنده می باشد که خاستگاه این جرایم در علوم جرم شناسی فرانسه دیده میشود.در خلق این مفهوم جرم شناسان فرانسوی تمایل به جرم انگاری پاره ای از انحرافات و کج روی اجتماعی با عنوان جرایم مانع یا بازدارنده داشتند.جرایم مانع گونه ای از جرایم است که فی حد نفسه قبح اجتماعی ندارد ولی استمرار آن، فرد را در معرض ارتکاب جرم شدیدترقرار میدهد . انحراف انگاری در راستای تحقق هدف پیشگیری از وقوع جرایم شدید یک تدبیر سیاست جنایی است که اگرچه در برخی جرایم میتواند موثر ومفید واقع شود اما درموضع های دیگر نتیجه ای جز تورم قوانین نخواهد داشت و اینجاست که میتوان به سازمان دهی سیاست های ابتکاری و موثرتری درمقایسه با جرم انگاری جرایم مانع روی آورد. جرم انگاری در سرشت خود برای رؤیارویی با پاره ای از نابهنجاریها ناکارآمد است از آن جایی که بسیاری از مصادیق جرایم مانع با توسل به پاسخ های جامعوی و توسل به مکانیزم های غیرکیفری در سطح اول و دوم پیشگیری پزشکی و اجتماعی و به روز کردن اقدامات مربوط به وضعیت های پیش جنایی برای دسترسی دشوار به آماج جرم در پیشگیری وضعی قابل کنترل است و نیازی به جرم انگاری نیست. اصل بر آزادی است وضع هر محدودیتی نیازمند دلیل است. دلیل موجه ای برای جرم انگاری جرایم خطر آفرین وجود ندارد ولی با تحولات نوین در عرصهٔ سیاسی، قانونگذاران با کنار گذاشتن این اصل صیانت از بازدارنده و با دور شدن از اصول پیشگیرانه غیر کیفری منجر به امنیت سازی برای خود و امنیت سوزی برای شهروندان می شوند. درست است مقابله با اسباب و ابزار ضرورت دارد و این مقابله با کاهش آمار بزهکاری ارتباط مستقیم دارد ولی در برخورد با اسباب زمینه ساز جرایم کلان به حداقل ها اکتفا شود و جرم

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

انـگاشتن مـقدمات و اسـباب را مـنحصر به مواردی بـدانیم کـــه جزء اخیر علت تامه باشد و در تحدید اسـباب و ابـزار جـرم بیشـترین بهـره گیـری از سیاست غیر کیفری صـورت گـیرد. شـایسته نیست قانون کیفری را با داخل کردن مـواردی کـه از عـهده انـتظامـات دیگـــر جـامعه برمی آید قطور کنیم . در حقوق کیفری ایران قانونگذار بجایی حل مسئله به پـاک کردن صورت مسئله روی آورده است و با توسل به رویکرد سخت گیرانه هر جا عملی مقدمهٔ جرم دیگر اسـت آن را جرم انگاری کرده است. ولی در دهه های اخیر با جلوس جامعه خطر، فاکتور امنیت در اولویت قـرار گرفتـه است و با بی توجهی به پیشگیری کنشی، پیشگیری واکنشی بهترین چـاره تلقـی شـده است در حـالی کـه انحرافات را میتوان با از و کارهای کنترل اجتماعی محدود ساخت.

با توجه به مفهوم جرایم مانع و علت جرم انگاری آنها و با عـنایت بـه مـعیارهایی که برای جرم انگاری موجه یک رفتار بیان شد و همچنین با توجه به اقـدامات پیشـگیرانه از جـرایم، به نظر می‌رسد با توسل به اقدامات غیرکیفری می‌توان دامنه بسیاری از این انحرافات را محدود کرد یا از بـین بـرد. آنـچه باید مد نظر قرار گیرد آن است که در مقابله با این رفتارها نباید انتظار حصول سریع نـتیجه را داشـت. از خصوصیات تدابیر پیشگیرانه این است که نتایج آنها فوری نیست، بلکه در طول زمان کارآیی خود را نـشان مـی‌دهد و شـاید همین امر، بسیاری از دولتها را به اندیشه جرم انگاری و توسل به اقدامات قهرآمیز در مقابله بـا این رفـتارها وا می‌دارد، چرا که اثر مجازات در مقایسه با تدابیر پیشگیرانه زودتر جلوه می‌کند. به اعـتقاد مـا، تـوسل به حقوق کیفری در حوزه رفتارهایی که زمینه‌ساز ارتکاب جرایم بعدی تلقی می‌شوند، ثمر بخش نبوده و تـجربه قـانونگذاری ما به عنوان نمونه در مورد جرم انگاری ولگردی، تکدی و اعتیاد که صرفاً بـه یک رشـته مـقررات متروک تبدیل شده، این امر را به اثبات رسانده است. شایسته نیست قانون کیفری را با داخـل کردن مـواردی که از عـهده انتظامات دیگر جامعه نیز برمی‌آید، قطور و پیچیده کنیم. سیاست جنایی مؤثر در مـقابله بـا رفتارهای منجر به جرم باید در درجه اول توسل به اقدامات غیرکیفری را سرلوحه برنامه خود قرار دهد و چـنانچه بـخواهد اقدام به جرم انگاری این رفتارها کند باید لااقل توسل به این اقدامات را قـبلاً تـجربه کرده باشد. بدیهی است چنانچه جرم انگاری این حـالتها،عـلی‌رغم عـدم کارایی توسل به اقدامات غیرکیفری ضرورت داشته بـاشد بـا توجه به تجارب گذشته، مسلماً تدابیر کیفری اندیشه شده، مبتنی بر واقعیات اجـتماعی بـوده، واجد خصوصیات یک جرم انگاری اخـلاقاً مـوجه و کارامد خـواهد بـود.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

منابع

احمدوند، اکـرم ؛ بـررسی جرایم مانع در حقوق کیفری ایران ، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه قم ، زمستان ۱۳۸۹

حمدی، حبیب، جامعه شناسی انحرافات، انتشارات سمت، چاپ اول، تهران، ۱۳۸٤

آخوندی، محمود، آئین دادرسی کیفری جلد اول، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد؛ چاپ دوازدهم، ۱۳۸۳.

اردبیلی، محمد علی، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، انتشارات میزان، چاپ بیست و سوم، ۱۳۸۸ .۷ .

استفانی گاستون ، لواسور ژرژ، بلوک برنارد، مترجم دکتر حسـن دادبـان ، حقـوق جزای عمومیجلد دوم ، چاپ اول ، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، تهران ،۷۷ ۱۳.

دهخدا، علی اکبر؛ لغت نامه دهخدا، چاپ سـرویس ، تـهران ، ۱۳٤۳

راک پل، کجروی، ترجمه اسماعیل اسفندیاری، حوزه و دانشگاه، شماره ۱٤و۱۵ ،پائیز و زمستان۱۳۷۹

رایی، علی، عدم رعایت قوانین راهنمایی ورانندگی در بین رانندگان و عوامل موثر بر آن با تاکید بر ابعاد فرهنگی و اجتماعی، فصلنامه علمی کاربردی مطالعات امنیت اجتماعی معاونت اجتماعی نیروی انتظامی، پیش شماره سوم، ۱۳۸۳.

ساداتی، محمود؛ "امنیت و سـیاست جـنایی"، دادرسـی، شـماره ۵۸، مهـر و آبـان ۱۳۸۵.

شاطبی، ابواسحاق ؛ الموافقات فی اصول الفقه ، ج ٤، بیـروت : داراالمعرفـه ، ۱٤۱۸ ق

شکرچی زاده، محسن، بررسی تطبیقی جرم انگاری، پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد رشته حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه تهران، ۱۳۸۰ .

عالی پور، حسن ؛ "امنیت ملی و عدالت کیفری"، فصـلنامه مطالعـات راهبـردی، شماره سوم ، پاییز ۱۳۹۲

عزت، عبدالفتاح، جرم چیست و معیارهای جرم انگاری کدام است، ترجمه اسماعیل رحیمی نژاد، مجله حقوقی دادگستر، شماره ٤۱ ،زمستان ۱۳۸۱.

غلامی، حسین ؛ "اصل حداقل بودن حقوق جـزا"، فـصلنامه حقوق کیفری، شماره۲، زمستان ۱۳۹۱

فاخری، نریمان و عباسی، حسام ؛ "بررسی مبانی جرم انگـاری جـرایم مـانع در حوزه حقوق کیفری ایران "، مجله حقوقی عدالت آراء، شماره ۱٦ و ۱۵، ال ۱۳۹۰

کلارکسون، تحلیل مبانی حقوق جزا، ترجمه حسین میرمحمد صادقی، انتشارات معاونت فرهنگی جهاد دانشگاهی دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ۱۳۷۱ .

کوهن ، بروس ؛ جامعه شناسی، ترجمه : توسلی، غلامعباس و فاضل ، رضا، تهران ، نشر سـمت ، چـاپ شـانزدهم ، ۱۳۷٤

گسن، ریموند، روابط میان پیشگیری وضعی و کنترل بزهکاری، ترجمه علی حسین نجفی ابرند آبادی، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۲۰ ،دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷٦ .

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

گلدوزیان، ایرج، بایسته های حقوق جزای عمومی، انتشارات میزان، چاپ سیزدهم، ۱۳۸۵

مهدوی پور، اعظم و شهرانی کرانی، نجمه ؛ "امنیتی شدن جرم شناسی: راهبردها و آثار آن بر حقوق کیفری"، پژوهشنامه حقوق کیفری، شماره ۹، بهار و تابستان ۱۳۹۳

میر خلیلی، محمود؛ "سد ذرائع و پیشگیری از بزهکاری در آموزه های اسلامی"، حقوق اسلامی، سال هشتم ، شماره ۳۱، زمستان ۱۳۹۰

میرمحمد صادقی، حسین، جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی، انتشارات میزان، چاپ دوم و پنجم، بهار ۱۳۸٤. و ۱۳۸۱ .

نوبهار، رحیم ؛ "اصل کاربرد کمینه حقوق کیفری"، آموزه های حقوق کیفری، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۰

نوروزی، نادر؛ سیاست جنایی در قبال جرایم خرد و تأثیر آن بر احساس امنیت شهروندان ، رساله دکتری حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه تهران به راهنمایی محمد آشوری، ۱۳۸٤

وایت ، راب و هینز فیونا، جرم و جرم شناسی، ترجمه علی سلیمی، نشر پژوهشگاه حوزه و دانشگاه ، چاپ پنجم ،۱۳۹۲، ص ۳۱٤

یزدی، محمد کاظم ؛ العروه الوثقی، بیروت : موسسه الاعلمی، ۱٤۰۹ ق.

Turner, R., The Hisotry of Vagrant and Vagrancy,6th ed., Clumbia Encyclopedia, 2003.

Lab. P. S. Crim Prevention ,2nd ed., Anderson Publishing Co, 2000.

acker, H.,The Limits of Ciminal Sanction", Stanfor University Press, 1968.

Singer, R. G., "Conviction (civil disabilities)", Encyclopedia of Crime and Justie, The Free Press, Vol. 1, 1983.

Schonsheck, J., On Criminalization, Kluwer Academic Publisher

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

شماره ۴۲، دوره دوم، سال هفتم، بهار ۱۴۰۱، صص ۱–۱۳

The principles and examples of obstruction crimes in Iran and UK law

Reza Chatrsimab[1]

Abstract

This study was conducted with the aim, principles and examples of obstruction crimes in Iranian and British law.The data collection method was descriptive-analytical. The research method was library which was collected by studying books, articles and dissertations related to the research topic. Crimes prevent behaviors that the legislature has criminalized to prevent the commission of a crime or subsequent crimes, and the legislature uses the theory of suffocation in sperm to confront the perpetrators of these crimes. These crimes do not have inherent ugliness. The results showed that in Iran and the United Kingdom, such crimes as begging, vagrancy, the beginning of crime have a significant volume of criminal offenses. Regarding the basis of criminalization of this group of crimes, some scholars and jurists refer to the principle of legal ethics, others to the principle of harm, and finally some to the principle of legal patriarchy. But it seems that the moral justification for criminalizing the above crimes is more correct. Given that many criminologists believe that many instances of crime prevent deviations that should not be criminalized, and the cost of criminalizing these crimes was far greater than the cost of decriminalizing these crimes and the possibility of preventing these crimes to There are ways other than punishment and criminal mechanisms, the need to decriminalize some instances of preventable crimes such as begging, vagrancy, addiction is felt.

Keywords: Principles and Examples, Obstacle Crimes, Law

[1]M.A in Criminal Law and Criminology, Department of Law,**Islamic Azad University**, Zahedan Branch, Zahedan, Iran

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]